

«شرق» تعطیلی و تغییر کاربری مطرح‌ترین سینماهای پایتخت را بررسی می‌کند

فراموشی بخشی از خاطره جمعی

هویت خود را حفظ کنند و از رده خارج نشوند! و اما سازه‌های جدید سینمایی (مال‌ها) در این کلان‌شهر زمانی می‌توانند مثل قدیم باعث توسعه سینمارفتن باشند که دولت و دولت‌ها به حیات طبیعی آنها متعهد باشند (امسال پیش‌بینی حدود ۱۲ میلیون مخاطب است!) و خب تا اطلاع ثانوی این تعهد قابلیت «فهم» ندارد (به‌جز دوره اول دولت آقای روحانی که با کاهش سیاست‌های سینمایی، سینما توسعه معنادار پیدا کرد و ۲۸۰ سالن به ۵۰۰ سالن، ۳۰ میلیارد تومان فروش به ۳۰۰ میلیارد تومان فروش و هشت میلیون مخاطب به ۲۸ میلیون مخاطب افزایش پیدا کرد). این آمار در شناخت فهم ضرورت میزان تعهد به حیات طبیعی در سینمای قبل انقلاب و بعد از انقلاب خود گویای همه مطالب است. قبل از انقلاب ۴۸۰ سالن سینما در ۴۸۰ نقطه جغرافیایی کشور با ۳۸۰ هزار صندلی در یک کشور ۳۵ میلیون نفری. بعد از انقلاب ۶۲۰ سالن سینما در ۲۲۰ نقطه جغرافیایی کشور با ۱۵۰ هزار صندلی در یک کشور ۸۵ میلیون نفری.»

تاریخچه سینماهایی که به فراموشی سپرده می‌شوند

سینما «پارس» که پیش از آن به سینما «اونیورسال» معروف بود، در سال ۱۳۴۲ با مساحت هزار و ۵۰۰ مترمربع و دو سالن بزرگ به کنجایش ۴۰۰ و ۳۷۰ نفر، با مدیریت اسماعیل کوشان و زیر نظر یک مهندسی روس ساخته شد. این سینما دارای درجه کیفی «ممتاز» بود. به یقین سینما «پارس» را می‌توان ازجمله سینماهای مطرح تهران و یکی از سینماهای پرمخاطب میدان انقلاب دانست؛ سینمایی که مدتی تعطیل بود و مجوز تغییر کاربری‌اش صادر شده است.

سینما مرکزی در سال ۱۳۴۱ توسط سیف‌الله کامرانی (بنیاد خیریه کامرانی) و با مدیریت حسین مقیمی تأسیس شد و بعدها به سه سالن تکفیک شد. سینمایی که تا پایان دهه ۶۰ در فهرست مهم‌ترین سینماهای پایتخت بود.

داوود قهردار، گردآورنده کتاب «سینماهای تهران، از قاجار تا امروز» مدتی قبل در گفت‌وگو با ایسنا درباره اهمیت وجود این سینما گفت و تأکید کرد: «سینما مرکزی ازجمله سینماهایی بود که بازگشایی‌اش ممکن نشد. این سینما در زمان بازگشایی هم جزء سینماهای اصلی و پرمخاطب بود. عواید حاصله از این فروش بلیت در این سینما خرج بنیاد خیریه کامرانی می‌شد و در دهه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰ ازجمله سینماهای مهم، اصلی و پرمخاطب شهر تهران به حساب می‌آمد. بعد از بروز شرایط کرونا، سینما مرکزی، پارس و شهر تماشا در آستانه تعطیلی قرار گرفتند. شاید در طول این مدت، به‌صورت موقت باز شده باشند اما در نهایت بسته شدند.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «سینما بالاخره محل تفریح مردم است، جایی که می‌توانند فیلم‌های روز را تماشا کنند و وقتی برای عرضه وجود نداشته باشد،

شرق: «سینماهای «پارس» و «مرکزی» واقع در میدان انقلاب تهران، درحال حاضر تعطیل هستند و مالکان آنها به تازگی مجوز تغییر کاربری‌ی آن را دریافت کرده‌اند و غیر از این دو سینما، پنج سینمای «حافظ»، «عصر جدید»، «ارویا»، «استیل» و «سعدی» دیگر سینماهای پایتخت هستند که انجمن سینماداران نامه تغییر کاربری آنها را به ارشاد ارسال کرده و مورد موافقت قرار گرفته‌اند. اینها سینماهایی هستند که به طور کامل کاربری خود را در چرخه اکران از دست داده بودند». این بخشی از صحبت‌های اخیر محمدرضا صابری، سخنگوی انجمن سینماداران با خبرگزاری مهر است که وضعیت برخی از سالن‌های قدیمی پایتخت را تشریح کرده است. تعطیلی سالن‌هایی که هرکدام قدمتی حدوداً ۵۰ساله دارند، اتفاق تازه‌ای نیست و در سال‌های اخیر خبر تغییر کاربری سالن‌های سینمای قدیمی بخش خصوصی و خالی از مخاطب، هرازگاهی توجه‌برانگیز شده و بعد از مدتی چرایی تعطیلی آنها به فراموشی سپرده شده است.

زنگ خطر تعطیلی سینماهای قدیمی تهران سال‌هاست به گوش می‌رسد. از زمانی که مخاطبان علاقه‌مند به سینما با تأسیس پردیس‌های سینمایی و مجهز تصمیم گرفتند در محیطی مدرن‌تر به تماشای فیلم بنشینند و سالن‌های معروف میدان‌های اصلی شهر که زمانی میزبان علاقه‌مندان جدی سینما بودند، به فراموشی سپرده شدند. توجه جمعیت سینمارو تهران از حوالی میدان انقلاب و ولی‌عصر و سینماهای خاطره‌انگیزش به محلات بالایا شهر تهران جلب شد و به مرور سینماهای قدیمی و مطرح شهر تهران از سکه افتاد. سینماهایی که هرکدام به تنهایی نه‌تنها به عنوان محیطی فرهنگی بلکه بخشی از هویت این شهر محسوب می‌شوند.

امیرحسین علم‌الهدی، کارشناس سینما دراین باره به «شرق» گفت: «بحث هویت‌داشتن سینماهای قدیمی دریافت شهری در زمان ساخت آنان و بهره‌برداری تا اوایل دهه ۷۰، زمانی قابل اعتنا خواهد بود که بدانیم دیگر هویت در کلان‌شهر بی‌هویت تهران خالی از تعاریف خاص خود است!

برای اتکس منظوره را بهتر بتوانم بیان کنم، چاره‌ای ندارم بگویم به دنبال هویت بودن در امکان فرهنگی و هنری بیش از سه دهه است که متوقف شده و مهم‌ترین دلیل هم بی‌شک انسداد در ضرورت تنوع سلیقای در همه شاخه‌های هنری و فرهنگی مولد است و طبیعی است که در حوزه معماری هم که رابطه مستقیمی دارد با هویت‌یابی شهر، دهه‌هاست از هویت این سازه‌های جدید، «مال‌های تجاری که سینما هم دارند»، به چشم‌انداز روشنی نرسیده‌ایم.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «هویت کنونی لاله‌زار، انقلاب، راسته خیابان ولی‌عصر کدامشان به دهه‌های اخیر شبیه هستند که انتظار داریم سینماهای این مناطق

درهای جشنواره «سینماحقیقت» به روی همه باز است

از کل آثار متقاضی حضور در جشنواره سیاسی بودند که درصد آثار منتخب شاید کمتر باشد. در این دوره از جشنواره مستندهای سیاسی اکران می‌شوند، اما فراخوان جشنواره ما اول مهر ۱۴۰۱ به اتمام رسیده است و در حوزه مسائل اخیر فیلمی نداشته‌ایم، اگر در این مورد فیلمی ساخته شود، احتمالاً در دوره بعدی «سینماحقیقت» اکران می‌شود.

او درباره تحریم انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی تصریح کرد: فعالیت انجمن منتقدان مربوط به خودشان می‌شود و هر صنفی فعالیت‌های خودش را پیش می‌برد؛ اما درهای جشنواره «سینماحقیقت» به روی تمام صنف و هرکس در بخشی فعالیت می‌کند. به‌طور کلی فعالیت‌ها در ارد و در حوزه متنی، نقد و انتشار، کار خود را انجام می‌دهد. تحریم این رویداد نیز قاعده‌ای صنفی دارد که فکر می‌کنم فعالیتی خارج از صنف است؛ چون انجمن‌ها باید از برگزاری هرگونه رویداد فرهنگی استقبال کنند تا موجب انسداد فرهنگی نشوند. این روزها فعالیت‌ها بسیار متکثر شده است و هرکس در بخشی فعالیت می‌کند. به‌طور کلی فعالیت‌ها صنفی قابل احترام هستند؛ اما فراموش نکنیم که نویسندگان و منتقدان آزاد هنوز در جشنواره حضور دارند و هرکسی قابلیت انتخاب دارد.

حمیدی‌مقدم درباره تحریمی که از سوی برخی مستندسازان صورت گرفته است، بیان کرد: از سال ۱۳۹۸ که به مرکز گسترش آمده‌ام، ارتباطات نزدیکی با صنوف داشته‌ام و این کتمان‌شدنی نیست. من به حضور صنفی اعتقاد داشته

مردم به سمت مجتمع‌های تجاری و پردیس‌های سینمایی به غرب و شمال تهران مراجعه کنند. از آنجایی که سینما مرکزی در مرکز تهران است، همواره مخاطبان زیادی داشته است اما به دلیل حمایت‌نکردن دولت از این سینماها، رو به نابودی است. از دهه‌های ۳۰ و ۴۰ این روند مرسوم شد تا در محله‌های مختلف نیز سینما ساخته شود تا مردم محلی مجبور به طی‌کردن مسافت زیادی نشوند. هم مردم تهران و هم مردمی که از دیگر شهرستان‌ها به تهران می‌آمدند، با میدان انقلاب خاطره داشتند و احتمالاً به سینما مرکزی هم می‌رفتند اما مسئله بسیار مهم این است که درحال حاضر، در تهران حتی سینماهای اصلی نیز در خطر تعطیلی‌اند؛ جدا از اینکه سینماهای محلی نیز مدت‌هاست در وضعیت خوبی نیستند. سینما مرکزی نیز ازجمله سینماهای مجهز و به‌روز تهران است. کرونا بخش کوچکی از دلایل تعطیلی این سینما است. ممیزی، مشکلات اقتصادی، کیفیت کم فیلم‌های روی پرده و مجازنبودن انتشار فیلم‌های خارجی در سینما همه و همه باعث شده تا بعضی از سینماهای اصلی شهر هم تعطیل شوند. این خطر حتی پردیس‌ها را هم تهدید می‌کند. همان‌طورکه در جنوب نعمت‌آباد، سینمای کیان نیز وجود داشت که مدتی پیش تعطیل شد. سینما بخشی از سید فرهنگی مردم است که خطر نابودی و تعطیلی آن را تهدید می‌کند. در صورتی که فضا کمی بازنر شود، ساخت فیلم‌های باکیفیت می‌تواند تأثیر مثبتی بر روند فروش فیلم‌ها داشته باشد.»

سینما حافظ از سینماهای قدیمی تهران هم ازجمله سالن‌هایی است که مجوز تغییر کاربری آن صادر شده است. این سینما در سال ۱۳۳۷ با ظرفیت ۴۴۰ نفر و در دو سالن افتتاح شد. این سینما در اواخر دهه ۸۰ به‌طور کامل بازسازی شد اما به مرور تعطیلی این سینما هم آن را به سرنوشت باقی سینماهای خاطره‌انگیز شهر تهران تبدیل کرد.

سینما عصر جدید یکی از سینماهای قدیمی و مهم تهران است که سال ۱۳۳۱ فعالیتش را آغاز کرد. عصر جدید که پیش‌تر سینما «تخت جمشید» نام داشت، مالکیتش تا پیش از انقلاب چند بار دست به دست شد. در ۲۰ تیر ۱۳۵۷ به‌طور کامل تخریب و بازسازی شد و در سال ۱۳۵۷ با نام «عصر جدید» به فعالیتش ادامه داد. عبدالله علیخانی و محمدحسین فرح‌بخش در سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ با خرید این سینما مالکیت آن را به دست آوردند. از «عصر جدید» همواره به عنوان سینمایی هنری یاد می‌شد و علاوه بر اکران فیلم‌های مطرح و منتخب، از گروه سینماهای اصلی در دوره‌های مختلف جشنواره فیلم فجر بود. سال گذشته محمدحسین فرح‌بخش، یکی از مالکان سینما «عصر جدید»، در واکنش به انتقادهایی مبنی بر چرایی تعطیلی و تغییر کاربری آن را ایسنا گفت: «همه کسانی که از نوستالژی این سینما صحبت می‌کنند، دروغ می‌گویند؛ چون اگر این‌طور



عکس‌های علی‌سعدی در تانرا

بود در این سال‌ها می‌آمدند و در «عصر جدید» فیلم می‌دیدند.» او در این گفت‌وگو تأکید کرد: «من از آنهایی که درباره نوستالژی سینما «عصر جدید» صحبت می‌کنند، چه مردم و چه سینماگران، چند سؤال دارم. خیلی از آنها ممکن است در سال‌های گذشته یعنی یک سال، پنج سال، ۱۰ سال یا ۲۰ سال گذشته پدر و مادرهای خود را از دست داده باشند. به من بگویند که در این مدت چند بار بر سر مزار پدر و مادر خود رفته‌اند؟ پدر و مادرشان نوستالژیک‌تر است یا سینما عصر جدید؟ اول تکلیف این را مشخص کنند بعد درباره مال و اموال مردم اظهارنظر کنند. اگر من این سؤال را می‌پرسم، کسی هستم که بگویند ۲۵ سال قبل مادرم به رحمت خدا رفته و هر هفته سر خاک او می‌روم، پدرم تا زمانی که در قید حیات بود ۶۰ سال از فوت مادرمش می‌گذشت و جمع‌ه به جمع‌ه در تمام آن ۶۰ سال بر سر مزار مادرمش رفت. اینها یعنی نوستالژی.»

او افزود: «سؤال بعدی این است که آنهایی که درباره نوستالژی سینما عصر جدید صحبت می‌کنند چرا در این چند سال به این سینما نیامدند تا فیلم ببینند؟ خودشان پیش وجدانشان قضاوت کنند چرا در این سال‌ها نیامدند؟ حالا در فضای مجازی حس نوستالژیک نسبت به سینما پیدا کرده‌اند؟ همه اینها حقه‌بازی و دروغ است، مثل بقیه چیزها.»

این‌تهیه‌کننده سینما گفت: «این همه سال بنده و آقای علیخانی خسارت دادیم، اینها کجا بودند؟ این سینما هیچ چیزی برای ما نداشت و فقط از جیب برایش خرج کردیم. در همین سال قبل فقط ۲۵۰ میلیون تومان پول صرف کردیم. اما کسی سراغ سینما نیامد آن هم سینما عصر جدید که به همراه سینما قدس اصفهان تنها سینماهایی هستند که در تاریخ سینمای ایران زمانی که سه‌شنبه‌شب فیلم‌ها عوض می‌شدند، چهارشنبه صبح پورسانت صاحب فیلم را پرداخت می‌کردند. مگر ما ضرر نمی‌کردیم؟ آن پورسانت را هم از جیب می‌دادیم و حالا الان



سینما عصر جدید نوستالژی شده است. خیلی این حرف‌ها را باور نکنید». فرح‌بخش تأکید کرد: «اگر سینما عصر جدید برای ما ارزشمند نبود، جور دیگر رفتار می‌کردیم. همه پول خود را از سینما درآوردند و رفتند جای دیگر ملک خریدند ولی من ملکی را که در لوسان داشتم، برای این سینما و آن هم ۲۰ درصد سینما فروختم. حالا با چند برابر قیمت آن ملک هم دیگر نمی‌توانم آن را بخرم. من و آقای علیخانی به سینما علاقه داشتیم که اینجا را خریدیم. سینما عصر جدید در تهران یک آدرس است و ما می‌توانستیم سینمای دیگری را بخریم اما سراغ اینجا آمدیم و برایش همه کار کردیم.»

سینما «سعدی» با نام پیشین «ماژستیک» هم از سینماهای قدیمی و مطرح شهر تهران از دیگر سالن‌هایی است که مجوز تغییر کاربری‌اش صادر شده است. این سینما در سال ۱۳۳۸ در زمینی به مساحت ۵۷۰ مترمربع ساخته شد و دارای سالن و بالکنی با کنجایش ۵۳۰ نفر بود. سینما «سعدی» در دهه ۶۰ یکی از سینماهای گروه کودک و نوجوان بود و بسیاری از بچه‌های ساکن در مرکز شهر تهران فیلم‌های خاطره‌انگیز دوران کودکی خود را در این سینما دیده‌اند؛ فیلم‌هایی مانند گلنار، سفر جادویی، پاتال و آرزوهای کوچک، مریم و میتیل، گربه آوازه‌خوان و… سینما سعدی هنگام نمایش این فیلم‌ها روزهای بسیار شلوغی را تجربه کرد اما در دهه ۸۰ از رونق افتاد و در دهه ۹۰ تعطیل شد.

سینما «استیل» یا «پارس» در سال ۱۳۳۸ در بحبوحه حوادث انقلاب در سال ۵۷ گرفتار حریق شد و بعد هم تعطیل ماند و مدتی است مجوز انحلال آن صادر شده است.

سینما «ارویا» هم در فهرست سینماهایی است که به‌زودی تغییر کاربری خواهد داد. این سینما در سال ۱۳۴۷ با نمایش فیلم «جاده زرین سمرقند» افتتاح شد و در هشتم اسفند ۱۳۹۰ طعمه حریق و پس از آن تعطیل شد و نهایتاً با موافقت سازمان سینمایی از ابتدای شهریور سال ۱۴۰۰ منحل شد.

اخبار برگزیده

۳ فیلم ایرانی به جشنواره پالم اسپرینگز دعوت شدند

سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم پالم اسپرینگز سه فیلم ایرانی را در برنامه نمایش خود قرار داد. فیلم سینمایی «جنگ جهانی سوم» به کارگردانی هومن سیدی که در بخش ویژه فیلم‌های حاضر در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی اسکار ۲۰۲۳ است، در جشنواره فیلم پالم اسپرینگز به نمایش گذاشته می‌شود. ساخته هومن سیدی پس از حضور موفق در جشنواره ونیز، در سی‌وینچمن دوره جشنواره بین‌المللی فیلم توکیو نیز در بخش مسابقه اصلی به نمایش گذاشته شد و در نهایت جایزه ویژه هیئت داوران را به خود اختصاص داد. در فیلم «جنگ جهانی سوم» بازیگرانی مانند محسن تانبنده، ندا جبرئیلی، مهسا حجازی، نورا نصرتی، لطف‌الله سیفی و حاتم مشمولی به ایفای نقش پرداخته‌اند. همچنین فیلم «بدون رؤیا» ساخته آرین وزیردقتری در بخش سینمای جهان و فیلم «خرس نینت» از جعفر پناهی هم در بخش استادان مدرن جشنواره پالم اسپرینگز به نمایش گذاشته می‌شوند. سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم پالم اسپرینگز از تاریخ پنجم تا ۱۶ ژانویه ۲۰۲۳ (از ۱۵ تا ۲۶ دی) در آمریکا برگزار می‌شود.

راهکارهای جدید برای نجات سینما

مهر:علی سرتیپی، تهیه‌کننده و پخش‌کننده سینما و رئیس انجمن صنفی پخش‌کنندگان سینمای ایران، با اشاره به اهمیت پیداکردن راهکار مناسب برای خروج سینما از بحران فعلی گفت: «هرچند بارها اعلام شده که برنامه‌های حمایتی مختلفی برای اکران در سینماها در دستور کار مدیران دولتی قرار گرفته، اما تا امروز اتفاقی در این زمینه رخ نداده و نمی‌توان گفت اقدامی جدی در این زمینه صورت گرفته است». او بیان کرد: «مسئله این است که در شرایط فعلی سینمای ایران نیاز به اتفاقات بزرگی دارد که این اتفاقات که اکثراً شکل و شمایل حمایتی دارند، باید هرچه سریع‌تر رخ دهد». رئیس انجمن صنفی پخش‌کنندگان سینمای ایران توضیح داد: «ناید فراموش کرد که توسعه زیرساخت‌های مختلف سینمایی چه در حوزه آتی‌وی چه در حوزه افزایش سالن‌های سینمایی، بدون اکران فیلم‌های سینمایی هیچ معنایی ندارد و هیچ پیشرفتی در زمینه نجات سینما صورت نمی‌گیرد». او بیان کرد: «معتقدم دولت باید به سالن‌های سینما، فیلم‌های سینمایی و پخش‌کنندگان فیلم کمک جدی کند و نگاه و برنامه دقیقی را در این زمینه دنبال کند تا بتوان تعدادی از فیلم‌هایی که احتمال فروش آنها بیشتر است، در سینماها اکران شود». سرتیپی در پایان گفت: «فکر می‌کنم در شرایط فعلی هر راهکاری که بتواند به سینما جانی دوباره دهد، باید دنبال شود که یکی از این راه‌ها می‌تواند اکران چند فیلم خارجی خوب باشد. در واقع باید به دنبال روش‌ها و فکرهای نو باشیم و به دنبال تعامل برای رفع مشکل فیلم‌هایی باشیم که مشکل اکران داشتند تا برای مخاطبان جذابیت ایجاد کنیم.»

و دارم و می‌دانم که این اتفاق منتج به پیشرفت و اتفاقات خوب در این حوزه می‌شود. برخی فعالان حاضر در تحریم امسال، در سه سال گذشته در جشنواره فعال بوده‌اند تا صنف را قوی کنند، همان‌طور که در دوره چهاردهم توانستیم از پس کرونا برآییم و جشنواره را برگزار کنیم.

او افزود: این‌گونه صحبت‌ها همیشه شنیده می‌شوند. ما با فعالان حوزه مستند حرف زدیم و تعامل کردیم. امسال اوایل شهریور جلسه‌ای با نمایندگان صنوف ازجمله تهیه‌کنندگان و کارگردانان سینمای مستند داشتیم و نشست سیاست‌گذاری خود را با حضور این دو صنف برگزار کردیم؛ اما متأسفانه اتفاقی در صنف افتاد که در تعامل انسداد ایجاد کرد. این در حالی است که ما تا آخرین لحظه تعامل را در دستور کار خود قرار داده‌ایم.

حمیدی‌مقدم ادامه داد: بسیاری از دوستان تحریم‌کننده به سی ۱۹۸۸ و حرکت گذار اشاره می‌کنند؛ اما می‌دانیم بعد از آن چه اتفاقی افتاد. جشنواره جای تعامل، حرف‌زدن و نقدکردن است؛ اما اینکه درهای گفت‌وگو را ببندیم، درست نیست. ما همچنان به صنف معتقدیم و البته نظرها در صنف متفاوت است؛ چراکه هرکدام از این انجمن‌ها ۳۰۰ عضو دارند.

او در بخش دیگری از صحبت‌های خود از اتفاقی ویژه در بحث مخاطبان جشنواره این دوره خبر داد و گفت: توده مخاطب اصلی در جشنواره «سینماحقیقت» موضوع مهمی است و اتفاقاً امسال شاهد اتفاق ویژه‌ای برای افزایش مخاطبان جشنواره می‌شویم که البته سنگ‌بنای آن از سال



عکس‌های محسن تانبنده در تانرا